

بنیم: ان کل یوم بیاض ان کل جسم قال شیخ الامام اعلم بان
والسما را عارف الصالح مشرف الی بن ابو حفص عمر بن علی
المعروف بان انما المهری و غیره علی الاطلاق ذکره
شرب علی ذکر الحلت مدانه: سکن با من قبل ان الکرم
الشرب بالحرکات الثلث است میدار آب و غیره از باب سوم از
ابواب ششکانه نقل و در مدانه حمرا کونید بان اعتبار کشتا
ان بران مداومت میباید نمود و اسکا با بغینا من مت شفا
از باب سوم الکرم درخت المور حله سکن با بصفت مدانه
و جار محرو درین قبل ان خلق متعلق بشر بنا سیکو بدوش
کردیم که با کلد مکر بدوستکا حوزو دیم بر یاد حضرت دوست
شدیم و این پیش از افیدن کرم بود که درخت المور است و
ماوه شرب اشهور بر شرف و شور ربانی روزی که مدار صغ
اضلاک نبود و امیزش آب اشقی خالی نبود: بر یاد دوست
بودم با در دست: آندم چون نشان زبا و مال نبود ربانی
ما بزم ز جام عشق تو جوید کنان بر جرع کنان حوزو کدر حوزو

فتان: بر یاد تو ان صبح صبح صبح روزه ایم: کز تال کشم نبود از
مال کشان لا محضی را سجانده و بجای است علی علم غیبی که عبارت
از ظهور وجود حقیقت سجانده بر حودش و حضرت علم بصورت علم
در قابلیت و استعدادات ایشان و در مرتبه بجای اعیان مستحق
بوجود غیبی هستند و کمالات اعیان خود علم و معرفت عشق
و محبت و امثال آن در ایشان پوشیده است و بنده ان
دوم بجای وجودی شهادت که عبارت از ظهور وجود حقیقت
سجانده بجای استعدادات و قابلیت اعیان روح و جواهر
و حسا و این بجای نامه مرتب بر بجای اول است و مظهرت مر
کلامه را که بجای اول در استعدادات و قابلیت ایشان
اندر رب و داشته ربانی ما را طلب نیاز دای زاناز
بس بر حسب طلب کرم کردی باز: آنها همه حقیقت تالعی کون
نمان بر خلق جهان عیان رکمنه راز: بس سینه سید که مراد
محبت و اینه باشد و بشر مدانه قبول استعدادات ایشان
در مرتبه اعیان نامه و بکار حسب علی غیبی حودش و حضرت علم